

قدمت و پیشینه

تاریخ سنگ نبشته‌های (کتیبه‌ها) یافت شده در مصر و بین النهرین شامل بناهای یادبود، صخره‌های آماده شده یا خام، لوحه‌های گلی و مواردی جزآن به هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد.

پیشینه جهان باستان از شرق دور تا امپراتوری روم و در واقع همه‌ی تمدن‌های بزرگ کهن، حکایت از آن دارد که نهادهای حکومتی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اطلاعات ارزشمند خود را به دلایلی که آمد بر روی سنگ حک و ثبت می‌کردند. این اطلاعات موارد متعددی از جمله فرمان‌های صادر شده حاکمان و فرمانروایان، توصیف تاریخ وقایع، جنگ‌ها، نقاشی‌ها و غیره را در برمی‌گرفت. ناگفته نماند که علاوه بر سنگ، دیگر محمل‌های اطلاعاتی همچون برگ درختان، عاج، پوست و استخوان حیوانات، چوب و... نیز در زمان‌های گوناگون برای این منظور مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. (۶: ۳۷-۳۸؛ ۲: ج ۲، ص ۴۱۸-۴۱۹)

مسأله شناخت تحول و تطور خط و الفبای بشری و شیوه‌های نگارش تمدن‌های زمان‌های گذشته نیز از رهگذر مطالعه و پژوهش بر کتیبه‌ها به خوبی دریافت می‌شود و زوایایی پنهان از این سیر پیچیده‌ی تمدن بشری، گاه با بررسی‌های دقیق محققان ایرانی و خارجی صورت ظهور به خود گرفته‌اند و آشکار شده‌اند. به عنوان مثال از مطالعات انجام یافته بر کتیبه‌های میخی شاهان هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم، این نکته به اثبات رسیده است که مادها، خط میخی را از آشوری‌ها و عیلامی‌ها فراگرفتند و آن را از شکل نموداری و آهنگی به صورت الفبایی درآوردند. این خود گامی مهم برای آسان کردن خط میخی بود.

زیرا این کتیبه‌ها خود به سه زبان پارسی، عیلامی و آشوری نوشته شده است. (۴: ۴۵؛ ۲: ج ۲، ص ۴۰۹-۴۱۲)

با بررسی‌ها معلوم می‌گردد که تنها خط میخی پارسی، ساده‌تر از دو خط میخی دیگر بوده است. یعنی خط میخی بابلی یا آشوری دارای هشتصد علامت و خط عیلامی دارای سیصد علامت بوده‌اند، حال آنکه خط میخی فارسی با چهل و دو حرف از چپ به راست نوشته می‌شده و سی و شش حرف آن از روی حروف آشوری اقتباس گردیده است. (۴: ۴۶).

کتیبه‌های باستانی مهم ایران و نواحی اطراف آن

– کتیبه آشور بنی پال که در ذکر فتح شهر شوش و وقایع پس از آن است. (۱۱: ۸)

– کتیبه بیستون

بیستون محلی است تقریباً در ۳۶ کیلومتری راه کرمانشاه به همدان که از دیرباز مکان توقف کاروان‌ها بوده است، به همین سبب در اینجا به امر داریوش کتیبه‌هایی بر تخته سنگی بزرگ حجاری شده است. به دستور او دو کتیبه نیز به زبان پارسی قدیم و عیلامی بابلی نوشته شده که یکی به کتیبه بزرگ و دیگری به کتیبه کوچک موسوم است. این حجاری‌ها درباره واقعه‌ای افسانه‌ای از یاغیانی است که هریک خود را پادشاه مملکتی

کتیبه اردشیر بابکان در نقش رستم  
سطر اول پارسیک . سطر دوم پهلوانیک

1 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎲𐎡𐎴𐎠 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴  
1' 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠

2 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎲𐎡𐎴𐎠 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴  
2 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠

3 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎲𐎡𐎴𐎠 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴  
𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 (3) 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠

کتیبه شاپور اول در نقش رجب  
سطر اول پارسیک . سطر دوم پهلوانیک

1 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎲𐎡𐎴𐎠 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴  
1' 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠

2 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎲𐎡𐎴𐎠 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴  
𐎠𐎡𐎴𐎠 (2) 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠

3 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎲𐎡𐎴𐎠 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴  
𐎠𐎡𐎴𐎠 (3) 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠

4 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎲𐎡𐎴𐎠 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴 𐎲𐎢𐎰𐎡𐎴  
𐎠𐎡𐎴𐎠 (4) 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠 𐎠𐎡𐎴𐎠

5 𐎱𐎠𐎼𐎿  
𐎠𐎡𐎴𐎠

می‌نامند (۵: ۱۸۹؛ ۹: ۷۶۵). این گونه متن کتیبه‌ها با انواع خطوط متداول به صورت عناوین و سرفصل‌هایی نگارش می‌گردد که در تحریر آنها از رنگ‌های طلایی، شنگرف، و سفید آب و غیره استفاده می‌نمایند و هر کدام از این کتیبه‌ها با تلفیق هنرهای دیگر از جمله تذهیب، تشعیر، ترصیع، سرلوح، خوشنویسی و جزآن، تبدیل به تابلوهای نفیس و چشم‌نواز می‌شوند. (۱۰: ۲۸؛ ۷: ۱۳۴)

کتیبه و انتقال اطلاعات

کتیبه‌ها در ذخیره‌سازی اطلاعات و انتقال افکار، اندیشه‌ها و تمدن بشری از نسل‌های گذشته به نسل حاضر نقش بسزا داشته‌اند. این که چرا بشر برای ثبت اطلاعات و وقایع از سنگ استفاده‌های زیادی کرده، دلایل متعددی دارد که اهم آنها را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

الف) این ماده نوشتاری به صورت فراوان و ارزان در طبیعت در دسترس همگان موجود بوده است.

ب) آماده‌سازی آن برای نگارش، گاهی با حداقل دستکاری بشر و گاهی هم بدون آن به صورت لوحه‌های صاف و مسطح طبیعی – میسر بود.

ج) امتیاز فسادناپذیری نسبی، ماندگاری اطلاعات ثبت شده را تضمین می‌کرد.

# کتیبه و کتیبه‌نگاری

دکتر رضا خانی پور

خوشنویس و کارشناس نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی ملی ایران



نمونه‌ای از کتیبه‌های شهر دورا

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## انواع کتیبه‌ها

کتیبه‌کاربردها و انواع دیگری نیز دارد، در هنر نسخه‌آرایی کتیبه‌شکل مستطیل‌گونه‌ای است که گاه در دو سوی آن نیم دایره‌ها و ربع دوایر کوچک کشیده باشند. مذهبیان از کتیبه‌ها در سرسوره‌ها، برای قرآن‌ها، و سرفصل‌ها، جهت دواوین اشعار و دیگر مکتوبات استفاده می‌کردند. جلدسازان نیز در چهار طرف حواشی جلد، نزدیک به لبه‌ها از آن بهره می‌بردند (۸: ۲۸۴). این‌گونه کتیبه‌ها گاهی مستطیلی مذهب و مرصع است و گاهی مستطیلی است که دو سوی آن یا اطراف همه اضلاع به صورت مدور و نیم‌دایره طراحی شده‌اند که به آن کتیبه قلمدانی می‌گویند. کتیبه‌های بسیار ظریف و باریک مذهب و مرصع آغاز سرفصل‌ها به نام کتیبه بازوبندی معروف هستند (۷: ۱۳۴)

## کتیبه و دیگر آرایه‌ها

در نسخه‌آرایی بیشتر کتیبه را در قسمت پایین سرلوح ترسیم می‌کنند، به صورتی که قسمت‌های پایین سرلوح با بخش فوقانی کتیبه به یکدیگر متصل گردد. شکل مرکب از کتیبه و سرلوح را به اصطلاح سرلوح کتیبه‌دار

کتیبه اسم و واژه‌ای عربی است که به مفهوم سنگ نبشته، کتابه، نوشته خطی، اهدائیه، تقدیم نامه، نوشته‌ای بر بدنه کوه یا تخته سنگ آمده است (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۶). این کلمه حتی در معنی لشکر، گروه اسبان و اجتماع اسب‌داران نیز به کار رفته است. (۱۳: ج ۳، ص ۲۹۰۸؛ ۱۲: ۶۷۲). جمع آن کتائب است. بعضی می‌گویند این واژه صورت دگرگون‌شده‌ی کتابه است (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۶) کتیبه در کاربرد اسم خاص، به قلعه‌ای از قلعه‌های خیبر اطلاق می‌شود (۳: ج ۵، ص ۳۳۶۸). واژه‌های مذکور به اصطلاح به نوشته‌ای اطلاق می‌گردد که در حاشیه دور سردر عمارت‌ها، دیوار مساجد، مقبره‌ها، بقاع، گوشه‌های پارچه‌ای که سفره، بیرق، جامه، جامه خانه کعبه، زین پوش اسب، پوشش تکیه‌ها، اماکن متبرکه و غیره، نگارش می‌یابد. (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۷). گاهی این نوشته ممکن است بر سنگی یا کوهی حجاری شده باشد. معمول آن است که کتیبه‌ها را به انواع گوناگون و به ویژه خطوط کوفی، ثلث، نسخ، نستعلیق و طغرا با اندازه جلی می‌نویسند، گرچه حکمی کلی نیست و مواردی با اقلام کوچک‌تر نیز دیده شده‌اند (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۶).



چندین کلمه از آن باقی مانده است. (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۷)

### کتیبه و کتیبه‌نگاری در اسلام

هنر کتیبه‌نگاری در صدر اسلام به منظور هویت‌بخشی دینی، تاریخی، فرهنگی و هنری همواره مدنظر هنرمندان مسلمان بوده است. ایشان در بناهای یادبود، مقبره‌ها و مساجد، مدارس علمیه، بقعه‌ها، عمارات باشکوه، ستون‌ها و جاهای مناسب دیگر آثاری ارزشمند از خوشنویسی و کتیبه‌نگاری به اشکال عمودی یا افقی از خود به یادگار گذاشته‌اند. تجزیه و تحلیل این آثار از منظرهای گوناگون - هنری و موضوعی - می‌تواند دریچه‌هایی فراسوی تاریخ، تمدن و فرهنگ اسلامی بر دیدگان پژوهندگان معاصر بگشاید. (ص ۶۸-۶۹)

دو عامل مهم موجب رشد و ترقی خوشنویسی زیر سایه اسلام شد. یکی اینکه چون مسلمانان معتقد بودند آیات قرآن از نظر ظاهر و باطن الهی و معجزه است، به کتابت آیات در درون و بیرون بناهای اسلامی همت گماردند. دیگر آنکه نسخه خطی عربی و فارسی - با تحول در سبک نگارش اشکال و اعجام آنها در سیر ایام - باعث شد که خوشنویسی این زبان‌ها خود جزء لاینفک تزیینی آنان گردد. بنابراین تکامل قواعد هندسی و زیبایی آنها به حدی اعجاب‌آور رشد کرد که این رشد و تحول در کتیبه‌ها و کتب خطی نمایان گشت. (۱۶: ۴۳؛ ۱۵: ۵۶-۵۷؛ ۱۸)

انواع مختلف خطوط شامل: کوفی، نسخ، ثلث، طغری، ریحان، محقق، نستعلیق و غیره در کتیبه‌نگاری‌های اسلامی از صدر اسلام تا کنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند. (۱۵: ۸-۹؛ ۱۶: ۴۴-۴۷؛ ۱۸) باید اذعان داشت که از میان خطوط یادشده، خط ثلث به سبب دور و تموجی که دارد و نیز به جهت حرکات نرم قلم، درشتی و برجستگی حروف و قابلیت تزیینات و نقش و نگار، در کتیبه‌نویسی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. مضمون کتیبه‌ها در بناهای ایران شامل آیات قرآن، احادیث نبوی، شعر، ماده تاریخ، تاریخ بناها یا نام بنیانگذاران‌شان و مواردی جز آن است. (۹۸: ۱۴)

برخی از آثار به جای مانده‌ی کتیبه‌ها عبارتند از: به خط کوفی ساده، مناره جرقورغان ازبکستان؛ مقبره‌ی خواجه احمد یسوی در ترکستان، به خط کوفی معقلی، مناره مسجد محمد (سنیق قلعه در باکو)؛ مقبره یوسف ابن قصیر در نخجوان، سردر مدرسه الغ بیک در بخارا؛ به خط ثلث، سردر مقبره بیان قلی خان در بخارا؛ مقبره حکیم ترمذی در ترمذ؛ سردر مقبره‌ی شیرین بیک آغا در سمرقند؛ مجموعه قصر شروانشاهان در باکو و مناره‌ی مسجد جامع همین شهر که تاریخ پیدایش آنها از قرن دوازدهم تا پانزدهم میلاد است. (۹۴-۹۵)

کتیبه‌نگاری خطوط گوناگون از جمله کوفی و ثلث و نستعلیق در بناها و مساجد کشور ایران از زمان تیموریان و صفویان در اصفهان و خراسان و نقاط دیگر رونق داشته است. امروزه هم طرح این خطوط بین کاشی‌کاران و خطاطان متداول است.

### کتیبه‌نگاران مشهور ایرانی و سائر کشورهای اسلامی در

#### سده‌های گذشته

۱. ارغون بن عبدالله کاملی، قرن ۸ ق. که از آثار او کتیبه‌ی دو مدرسه در بغداد به قلم ریحان است.
۲. مبارک‌شاه بن قطب تبریزی، قرن ۷ ق.

### - کتیبه‌های همدان

الف. کتیبه‌ای از داریوش در کوه الوند نزدیک دهی به نام عباس آباد که به زبان پارسی، عیلامی و آشوری نگارش یافته است. محتوای آن وصف اهورامزدا و کمک‌های او و ذکر وقایع سلطنت داریوش است.

ب. کتیبه‌ای از خشایار شاه در همان مکان با وصف اهورامزدا و ذکر سلطنت او.

ج. کتیبه‌ای از اردشیر دوم بر پایه‌ی ستونی به سه زبان مذکور که هم‌اکنون در موزه بریتانیاست. مضمون این کتیبه وصف اجداد اردشیر دوم و تالاری است که او بنا نهاده است. (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۷)

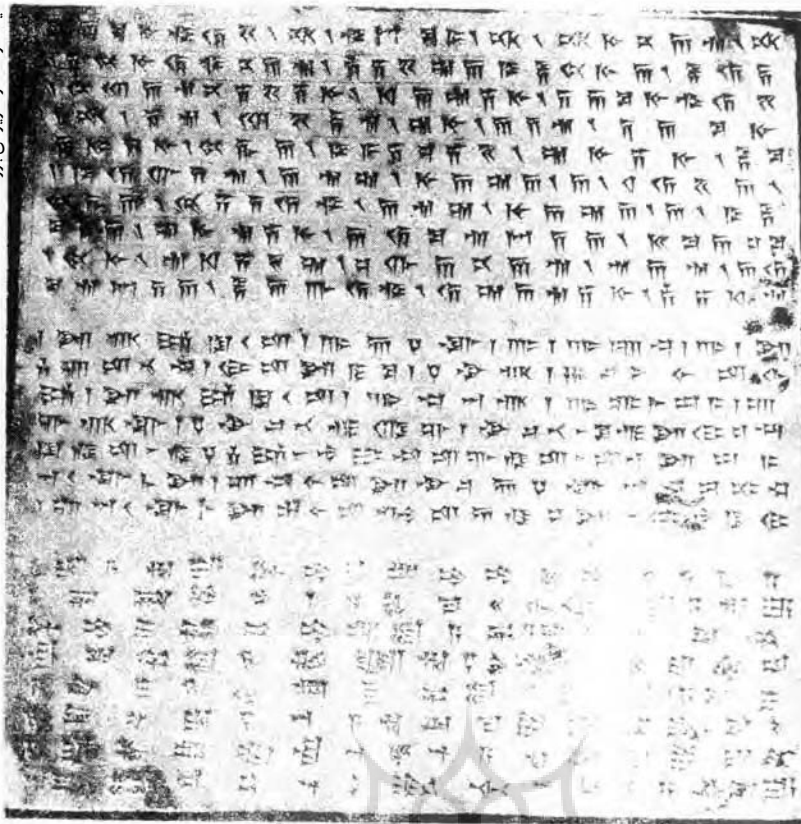
### - کتیبه‌هایی که به خط و زبان غیر پارسی هستند.

الف. بیانیه کورش بزرگ که در بابل به زبان و خط بابلی انتشار یافته بود. این کتیبه در استوانه‌ای از گل رس نوشته شده و حاوی ۴۵ سطر است که بیشتر آن محو گشته و اصل آن اکنون در موزه بریتانیاست. بعضی آن را نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌دانند (۱۱: ۱۰) محتوای آن ناظر بر معرفی کورش، اوضاع داخلی بابل، رفتار کورش با مردم بابل برقراری صلح، آزادی و امنیت، محبت خدایان از جمله مردوک خدای بزرگ - به کوروش و خاندانش است (۱۱: ۱۳-۱۵؛ ۱۷).

ب. کتیبه داریوش اول در نزدیکی کانال سوئز که ذکر آن رفت.

ج. کتیبه‌ای از اردشیر اول در تخت جمشید به زبان بابلی که ۱۳ سطر دارد. قسمت چپ کتیبه مزبور سالم و باقی بخش‌های آن از بین رفته است.

د. کتیبه‌ای در تخت جمشید از اردشیر دوم به زبان و خط بابلی که فقط



بعد از کتیبه بیستون و نقش رستم، از هر کتیبه‌ی دیگر شاه مزبور و شاهان دیگر هخامنشی مفصل‌تر است. این کتیبه از نقطه نظر تاریخی، صرف و نحو و فقه اللغة زبان پارسی بسیار ارزشمند بوده و به سه زبان پارسی، عیلامی و آشوری نگارش یافته است. خردشده‌ی این الواح طی سال‌های ۱۸۹۸ تا ۱۹۲۸ م. از زیر خاک پیدا شد. متن نسخه بابلی دارای ۴۳ سطر، عیلامی ۵۰ سطر و پارسی قدیم ۵۸ سطر است. کتیبه مشتمل بر هفت بند با توصیف اهورا مزدا آغاز می‌گردد. آنگاه توضیحاتی در خصوص بنانهادن قصرشوش، مصالح به کار رفته در آن و سرزمین‌ها و کسانی که در ساخت آن دخیل بوده‌اند، ارائه می‌دهد. (۲: ج ۳، ص ۳۷۲-۳۷۴)

ب. چند کتیبه مختصر دیگر بر آجر، سنگ، کاشی، مجسمه‌ها و لوحه‌هایی از مرمر و خاک رس به دست آمده است که مضمون آنها ستایش اهورامزدا، سلطنت داریوش اول، دودمان او و تصرفاتش است. (۲: ج ۳، ص ۳۵۶)

– کتیبه‌های نقش رستم

الف. کتیبه داریوش اول. نقش رستم محلی است در ۴ کیلومتری تخت جمشید که در آنجا چهار مقبره از شاهان هخامنشی بر جای مانده است و این کتیبه‌ها درباره‌ی اهورامزدا و تایید پادشاهی داریوش، جنگ‌ها، فتوحات و خاندان داریوش و نیز معرفی خشایارشا است. (۲: ج ۳، ص ۳۶۹-۳۷۲)

ب. کتیبه‌ای در دو بند که بخش‌هایی از آن ناخواناست.

ج. سه کتیبه کوچک در کلماتی مختصر جهت معرفی نیزه‌دار و کماندار داریوش (۱۷).

می‌خوانده‌اند. اینها دست بسته یکی از پس دیگری ایستاده‌اند و کتیبه‌ای هریک را معرفی می‌کند. (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۶؛ ۱۷؛ ۲: ج ۳، ص ۳۵۴-۳۵۵)

– کتیبه‌های تخت جمشید. کتیبه‌های شاهان هخامنشی در تخت جمشید از این قرار است.

از داریوش بزرگ پنج کتیبه وجود دارد که در یکی از آنها و در بالای صورت شاه کتیبه‌ای به زبان پارسی قدیم، عیلامی و آشوری نوشته‌اند: داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه ممالک، پسر ویشناسب هخامنشی این تچر (درگاه) را بنا کرد از خشایارشا، ۶ کتیبه که حاوی وصف اهورامزدا، دعا در حفظ سلطنتش و ذکر تاریخ فرمانروایی او و اجدادش است و اینکه داریوش از میان فرزندانش وی را به شاهی برگزید. (۲: ج ۳، ص ۳۶۷-۳۶۹)

– کتیبه‌هایی از اردشیر سوم و دوم. چندین کتیبه بر جای مانده که مفاد آن ذکر دودمان اردشیر سوم تا ارشام هخامنشی است.

کتیبه سوئز از اردشیر دوم. این کتیبه را داریوش به یادبود کانالی که برای اتصال رود نیل به دریای احمر ساخته بود، نوشته است. این سنگ نیشته‌ی یک پارچه در شلوف الترابه، ۱۳۳ کیلومتری کانال سوئز کشف شد. کتیبه مذکور به زبان پارسی قدیم، عیلامی و آشوری و در طرف دیگر سنگ به زبان مصری است. از آنجایی که داریوش از نظر مصریان، فرعون مصر بود، تمام القاب و عناوین فراغنه را در این کتیبه به وی نسبت داده‌اند. (۱: ج ۱۱، ص ۱۶۰۲۷؛ ۲: ج ۳، ص ۳۷۴-۳۷۵)

– کتیبه‌های شوش

الف. کتیبه‌ی داریوش اول. این کتیبه توسط فرانسویان کشف شد و

۳. احمدبن سهروردی، قرن ۸ ق. که کتیبه‌هایی به قلم ثلث در بغداد نگاشته است. (۴: ۳۱۸)
۴. عبدالله صیرفی، قرن ۸ ق. کتیبه عمارت استاد و شاگرد را در تبریز تحریر نموده است.
۵. بایسنغر میرزا (۷۹۹-۸۳۷ ق.). کتیبه پیش طاق مسجد گوهرشاد در مشهد به قلم ثلث از آثار ممتاز اوست.
۶. کمال‌الدین حسین حافظ هروی قرن ۱۰ ق. که کتیبه سه‌دانگ ثلث در مسجد جامع اصفهان کار ایشان است.
۷. علی رضا عباسی تبریزی متوفی ۱۰۳۸ ق. که از آثار اوست: کتیبه‌های سردر عالی‌قاپوی قزوین، سر در ورودی مسجدشاه اصفهان، دو کتیبه در ایوان‌های عباسی ضلع غربی و شرقی صحن کهنه‌آستانه رضوی و کتیبه گلوی گنبد خواجه ربیع و آثار دیگر که با اقلام ثلث و نستعلیق ممتاز نگاشته است. (۴: ۳۱۶-۳۵۰)
- کتیبه‌نویسان معاصر ایرانی و سایر کشورهای اسلامی
۱. مرحوم عبدالحمید ملک الکلامی (امیرالکتاب) که از آثار وی کتیبه آرامگاه حافظ شیرازی و کتیبه حجاری شده موزه ایران باستان به خط ثلث است (۴: ۳۶۹).
۲. مرحوم احمد زنجانی معصومی که از آثار ایشان می‌توان به کتیبه آرامگاه ابوعلی سینا در همدان، کتیبه مسجد آیینه قم، خطوط ضریح مطهر امام رضا (ع) و خطوط ضریح حضرت رقیه (س) در سوریه، که همه به خط ثلث اشاره کرده‌اند (۴: ۳۷۱).
۳. مرحوم حبیب‌الله فضائی که از ایشان خطوط ضریح عسکریین (ع) در سامرا، ضریح حضرت ابوالفضل (ع) و درهای حرم حضرت امام حسین (ع) و حرم کاظمین در عراق، کتیبه‌های در و رواق گلوی گنبد حضرت زینب و بسیاری از بناها و مساجد در شهرهای مختلف ایران بر جای مانده‌اند.
۴. مرحوم عمادالکتاب سیفی که از استادان به نام اقلام ثلث، شکسته و نستعلیق بوده و آثاری ارزشمند از خود به یادگار گذاشته است که از آن جمله‌اند: کتیبه سر در جدید مدرسه سپهسالار و لوحه‌ای بر آرامگاه فردوسی در طوس. (۴: ۵۹۴)
۵. سیدابراهیم، اهل مصر
۶. محمد صبری هلالی، اهل بغداد
۷. هاشم محمد خطاط اهل بغداد
۸. حامد الآمدی، اهل ترکیه. (۴: ۳۷۹)
- با گذشت قرون متمادی در امر کتیبه‌نویسی، امروزه نیز شاهد آن هستیم که در کنار بناهای مهم، پل‌ها، سدها و غیره، کتیبه‌ها و سنگ‌های یادبودی حک می‌شود و مراسم پرده‌برداری از آن گاهی از وسایل ارتباط جمعی پخش می‌گردد. به عبارت دیگر هنوز هم همان سنت کهن با رویکردهایی تازه به قوت خود باقی است. (۶: ۳۸)

مآخذ:

۱. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، ج ۱۱، ذیل «کتیبه».
۲. رجبی، پرویز. هزاره‌های گم شده، تهران: توس، ۵ ج، ۱۳۸۰.
۳. شاد، محمد پادشاه بن غلام محیی‌الدین. فرهنگ جامع فارسی [آنندراج]، ج ۵. ذیل «کتیبه».
۴. فضائی، حبیب‌الله. اطلس خط. اصفهان: انجمن آثار ملی اصفهان، ۱۳۵۰.
۵. قلیچ‌خانی، حمیدرضا. فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی و هنرهای وابسته، تهران: روزنه، ۱۳۷۳.
۶. گاوری، آلبرتین، تاریخ خط. ترجمه عباس مخبر؛ کورش صفوی. تهران: پنگوئن، ۱۳۶۷.
۷. مایل هروی، غلامرضا. لغات و اصطلاحات فن کتاب‌سازی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
۸. مایل هروی، نجیب. تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.
۹. همو. کتاب آرای در تمدن اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۰. مجرد تاکستانی، اردشیر. شیوه تذهیب. تهران: سروش، ۱۳۷۲.
۱۱. مرادی غیاث آبادی، رضا. منشور کورش هخامنشی. تهران: تندیس نقره‌ای، ۱۳۷۷.
۱۲. معلوف، لوئیس. المنجد فی اللغة. تهران: اسلام، ۱۳۸۰. ذیل «کتب».
۱۳. معین، محمد. فرهنگ فارسی، ج ۳. ذیل «کتیبه».
۱۴. یوسفی، غلامحسین. «خط و خطاطی». فصلنامه هنر، ۳۱ (تابستان و پاییز ۱۳۷۵): ۶۹-۹۹.
۱۵. افشار، ایرج. «صحافی از نگاه فرهنگ و تاریخ». در ایرج افشار، صحافی سنتی. تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۷، ص ۷۷-۹۴.

16. Aida, S. Arif. Arabic Lapidary Kufic In Africa Egypt-North Africa-Sudan: A Study of the development of the Kufic script.

London: Luzac, 1967.

17. Blair, S. Sheila. Islamic Inscriptions.

Edinburgh, University press, 1998.

18. The Behistun inscription (translation I)",

2003. [on-line]. Available: <http://www.livius.org/be-bm/behistun/behistun>

01.html.

19. "Calligraphy In Islamic Buildings",

2003. [on-line]. Available:

[http://ignca.nic.in/agra\\_056.html](http://ignca.nic.in/agra_056.html)